

انقد و بررسی کتاب |

مؤلفان: رضا پورجوادی، زبینه اشمیتکه

امترجمان: سعید انواری دانشیار فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی

امریم مهدوی مزده دانش آموخته فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی

آینه پژوهش ۱۹۱

اسال سی ودوم، شماره پنجم،

آندرو دی ماه ۱۴۰۰

# دره التاج قطب الدین شیرازی و منابع آن

۱۶۳-۱۸۴



**چکیده:** این مقاله منابع قطب الدین شیرازی در نگارش کتاب دره التاج را مورد بررسی قرار داده است. قطب الدین شیرازی در این اثر مفصل که به زبان فارسی نگارش یافته است، از آثار افراد مختلفی نظیر فارابی، ابن سینا، غزالی، فخر رازی، سهروردی، شهرزوری، زمخشری، یعقوب قرطبی، عبدالملک شیرازی، صفی الدین ارموی، سراج الدین ارموی، سعید الدین فرغانی، ابن کمونه، جرجانی و... استفاده کرده است. بر این اساس نشان داده شده است که کتاب دره التاج از ترجمه و ادغام چندین منبع مختلف پدید آمده است. به نحوی که بجز بخش هایی در منطق که هنوز منبع آنها مشخص نشده است، تمامی بخش های فلسفی آن برگرفته از آثار دیگران است. این تحقیق در بررسی اصالت این اثر و تعیین آراء خاص قطب الدین شیرازی حائز اهمیت است. در پایان مقاله، بخش های مختلف این کتاب با کتاب الکاشف ابن کمونه مورد مقایسه قرار گرفته است.

**کلیدواژه ها:** قطب الدین شیرازی، دره التاج، الکاشف، انتحال

QUTB AL-DĪN AL-SHĪRĀZĪ'S (-1236/634  
1311/710) DURRT AL-TAJ AND ITS  
SOURCES (STUDIES ON QUTB AL-DĪN  
AL-SHĪRĀZĪ). Journal Asiatique 2-292.1  
328-309: (2004)

## Durratu-Tāj by Quṭbuddīn Shīrāzī and its Sources

Authors: Reza Pourjavadi, Sabine Schmidtke  
Translators: Saeed Anvari, Maryam Mahdavi

**Abstract:** This article examines the sources of Quṭbuddīn Shīrāzī's book Durratu-Tāj. Quṭbuddīn Shīrāzī In this detailed work written in Persian, has referred to the works of various scholars such as Fārābī, Ibn Sīnā, Ghazālī, Fakhr Rāzī, Suhriwardī, Shahrzūrī, Zamakhsharī, Yaqūb Qurṭūbī, 'Abdul Malik Shīrāzī, Ṣafiyuddīn Irmavī, Sirājuddīn Irmavī, Saīduddīn Farghānī, Ibn Kamūna, Jurjānī, etc. Based on this, it has been shown that the book Durratu-Tāj has emerged from the translation and integration of several different sources. In a way, except for the parts of logic whose source has not yet been determined, all its philosophical parts are taken from the works of others. This research is important in examining the originality of this work and determining the specific opinions of Quṭbuddīn Shīrāzī. At the end of the article, the different sections of this book are compared with the book of Al-Kāshif Ibn Kamūna.

**Keywords:** Quṭbuddīn Shīrāzī, Durratu-Tāj, Al-Kāshif, plagiarism

كتاب درة التاج لقطب الدين الشيرازي ومصادره  
المؤلفان: رضا پورجوادي، زابينه اشميتكه  
ترجمة: سعيد أنواري، مريم مهدوي مزده  
الخلاصة: تبحث هذه المقالة في المصادر التي اعتمد عليها قطب  
الدين الشيرازي في تأليفه لكتاب درة التاج.  
وقد استفاد قطب الدين الشيرازي في تأليفه لهذا الكتاب المفضل  
الذي كتبه باللغة الفارسية من مؤلفات العديد من الأشخاص،  
كالفارابي، وابن سينا، والغزالي، والفخر الرازي، والسهورودي،  
والشهرزوري، والزمخشري، ويعقوب القرطبي، وعبد الملك  
الشيرازي، وصفي الدين الأرموي، وسراج الدين الأرموي، وسعيد  
الدين الفرغاني، وابن كمنونة، والجرجاني، وغيرهم.  
وبناءً على هذا يشير المقال إلى أن كتاب درة التاج هو حصيلة  
ترجمة وإدغام مقاطع من مصادر مختلفة بحيث كانت كل أقسامه  
الفلسفية مأخوذة من مؤلفات الآخرين، عدا بعض الأقسام في  
المنطق التي لم يتم تشخيص مصدرها حتى الآن.  
وهذا التحقيق يحظى بالأهمية من جهة بحثه عن أصالة هذا  
الكتاب وتشخيص الآراء الخاصة لقطب الدين الشيرازي.  
وفي ختام المقال هناك مقارنة بين الأقسام المختلفة من هذا  
الكتاب وبين كتاب الكاشف لابن كمنونة.  
المفردات الأساسية: قطب الدين الشيرازي، درة التاج، الكاشف،  
الانتحال.

قطب الدین شیرازی (۶۳۴-۷۱۰ ق) یکی از چهره‌های ارزشمند حیات فکری سرزمین‌های شرقی اسلام در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری<sup>۱</sup> دو اثر عمده در حوزه فلسفه نگاشت که به سرعت رواج یافت. شرحی بر حکمة الاشراق شهاب الدین سهروردی (نوشته شده در ۵۸۷ ق) که به زبان عربی نگاشته شده و به وزیر جمال الدین علی بن محمد دستجردانی تقدیم شده و در سال ۶۹۴ ق به اتمام رسیده است و اثری مجزا به زبان فارسی به نام درة التاج لغرة الدیاج که بین سال‌های ۶۹۳ تا ۷۰۵ ق به اتمام رسیده است.<sup>۲</sup> درة التاج شامل یک فاتحه، پنج فصل با عنوان «جمله» و یک خاتمه است که شامل چهار بخش با عنوان «قطب» است: در اصول دین (الهیات)، فروع دین (فقه)، حکمت عملی و سلوک.

در حالی که شرح حکمة الاشراق حداقل دو بار منتشر شده است،<sup>۳</sup> تاکنون هیچ نسخه کاملی از درة التاج بسیار مفصل تهیه نشده است.<sup>۴</sup> سید محمد مشکوة بین سال‌های ۱۳۱۷-۱۳۲۰ ش پنج بخش از این اثر را با عناوین فاتحه، جمله اول، منطق، جمله دوم: فلسفه اولی، جمله سوم: علم طبیعی و جمله پنجم: علم الهی (متافیزیک) منتشر کرد.<sup>۵</sup> سید حسن مشکان طبسی جمله چهارم در علم ریاضی را در سال ۱۳۲۴ ش و مهدخت بانو همایی بخش‌های سوم و چهارم از خاتمه را در سال ۱۳۶۹ ش منتشر کردند.<sup>۶</sup>

تاکنون ثابت شده است که قطب الدین شیرازی در شرح حکمة الاشراق شدیداً متأثر از شرح حکمة الاشراق یکی از معاصرین خود، شمس الدین محمد بن محمود الشهرزوری (متوفای پس از ۶۸۷ ق)

۱. برای نمونه ر.ک به: Kutb al-Din Shirazi In: Encyclopaedia of Islam. New Edition. Vol. 5, pp. 547-548; «ملاقطب شیرازی»، ص ۱۶۵-۲۰۵؛ 247؛ Syeed Hossein Nasr: Qotb al-Din Shirazi, pp. 247-205-165، [چاپ مجدد: سید حسین نصر، سنت عقلانی اسلامی در ایران، ترجمه سعید دهقانی، ص ۳۳۵-۳۴۸]؛ Ziva Vesel: Essai de typologie et de classification des sciences, pp. 13-15.

B.A. Rosenfeld and E. Ihsanegla: Mathematicians, astronomers and other scholars of Islamic civilisation and their works (7th-19th c.), pp. 233-235.. (قطب الدین شیرازی و علم الانوار در فلسفه اسلامی) که در اصل نسخه تصحیح شده رساله دکتری وی است (The philosophy of Qutb al-Din Shirazi. A Study in the Integration of Islamic Philosophy. Diss. Harvard 1983) [مقاله] نیاز به تجدید نظر قابل توجهی دارد. این [مطلب] در مورد عثمان بکار که به پژوهش والبریح اعتماد بسیاری دارد نیز صدق می‌کند. (طبقه‌بندی علوم از نظر حکمای مسلمان، ترجمه حواد قاسمی، ص ۲۷۷-۳۴۰ [بخش سوم قطب الدین شیرازی])

۲. این کتاب را «انموذج العلوم» و «انبان یا همیان ملاقطب» نیز نامیده‌اند. (والبریح، قطب الدین و علم الانوار، ص ۱۵۹) (م)  
۳. نسخه چاپ سنگی اسدالله هراتی، تهران، ۱۳۱۳-۱۳۱۵ ش شامل حواشی ملاصدرا (متوفای ۱۰۵۰ ق) بر شرح قطب الدین [به تازگی تجدید چاپ شده، بی‌جا، بی‌تا]. تصحیح انتقادی عبدالله نورانی و مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ ش. (سلسله دانش ایرانی، ۵) مقدمه انگلیسی هرمان لندلت که بر روی جلد عنوان شده در این کتاب نیست. در ادامه فقط به نسخه انتقادی ارجاع خواهیم داد. هانس دایبر از تصحیح دیگری توسط ابراهیم طباطبایی (تهران، ۱۹۳۴) نام می‌برد که به آن دسترسی نداشتیم (Bibliography of Islamic Philosophy 1-2, vol. 1, p. 751, no. 7316). [تصحیح دیگری از این اثر نیز توسط سید محمد موسوی منتشر شده است، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۷۸ (م)]

۴. برای توصیف نسخه‌های خطی مهم این اثر ر.ک به: مینوی، «ملاقطب شیرازی»، ص ۱۸۸-۱۹۰.  
۵. چاپ سوم آن که در دسترس ما بوده است (تهران ۱۳۶۹ ش) به طور مجزا یک شماره‌گذاری اصلی برای هر جلد دارد. همچنین شماره‌گذاری متوالی برای مقدمه مصحح و هر پنج جلد دارد. در ادامه به ترتیب هر دو نحوه شماره‌گذاری ذکر خواهد شد. شماره‌گذاری متوالی داخل کرونه ذکر می‌شود.

۶. بنابراین نسخه او همان طور که هانس دایبر ذکر کرده است، جایگزین تصحیح سید محمد مشکوة نیست. (Bibliography of Islamic Philosophy 1-2, vol. 1, p. 751 no. 7315)

است؛ اگرچه همچنان نیازمند مقایسه نظام مند میان این دو اثر هستیم.<sup>۷</sup> البته قطب الدین شیرازی از بیان صریح این مطلب در کل متن خودداری کرده است.<sup>۸</sup>

سید محمد مشکوة تأثیرپذیری شدید قطب الدین شیرازی در اکثر بخش های اثرش از منابع پیشینیان را که کلمه به کلمه به فارسی ترجمه کرده بود<sup>۹</sup> نشان داده است. قسمت اصلی فاتحه در واقع ترجمه اسرار التنزیل فخرالدین الرازی (متوفای ۶۰۶ق) است و قسمت های دیگر فاتحه تا حدودی از احیاء العلوم الدین غزالی (متوفای ۵۵۵ق) و تقریباً تقاسیم الحکمة ابن سینا (متوفای ۴۲۸ق) ترجمه شده اند. علاوه بر این بعضی از نقل قول ها از القسطاس فی العروض زمخشری (متوفای ۵۳۸ق) گرفته شده اند. همچنین مشکوة منابع قطب الدین شیرازی را برای قسمت هایی از کتاب ذکر کرده است که در تصحیح وی موجود نیستند. همان طور که قطب الدین بیان می کند، مشکوة یادآور می شود که اولین قسمت از جمله چهارم (ریاضیات)<sup>۱۰</sup> ترجمه ای از تحریر اقلیدس معاصر قطب الدین شیرازی، محیی الملة و الدین یعقوب بن محمد المغربي الاندلسی القرطبی (متوفای بین ۶۸۰ق و ۶۹۰ق) به فارسی است؛<sup>۱۱</sup> در حالی که دومین قسمت از این جمله، ترجمه ای از تلخیص مجسطی توسط عبدالملک بن محمد شیرازی (متوفای حدود ۵۹۶ق) است.<sup>۱۲</sup> چهارمین قسمت از جمله چهارم (در

۷. پورجوادی و اشمیتکه در کتاب فیلسوف یهودی بغداد می نویسند: «آنچه تا کنون کمتر دانسته شده این مطلب است که قطب الدین در شرح خود بسیار بر شرح تلویحات ابن کمونه تکیه کرده، نقل قول های قابل توجهی از او آورده و روی هم رفته به میزان زیادی وامدار شرح ابن کمونه است.» (ص ۴۷) (م)

۸. اولین بار ضیاء الدین دری اصفهانی در مقدمه ترجمه فارسی اش از نزهة الارواح شهرزوری، با عنوان کنزالحکمة (ص ۱۲) به این مطلب اشاره کرده است. همچنین ر.ک به: شهرزوری، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۲، ص ۶۴-۷۱. شمس الدین شهرزوری، شرح حکمة الاشراف، مقدمه و تحقیق حسین ضیایی، مقدمه فارسی، ص ۵۶ و ۸۳.

Suhrawardi: The Philosophy of Illumination. A New Critical Edition of the Text of Hikmat al-ishraq with English Translation, Notes, Commentary, and Introduction by John Walbridge & Hossein Ziai, p. xxii.

مشخص نیست که چرا جان والبریج که یک تک نگاری را به قطب الدین شیرازی به عنوان یک فیلسوف اشراقی اختصاص داده، تأثیرپذیری او از شهرزوری را به طور منظم بررسی نکرده است. به خصوص از آنجاکه کربن قبلاً اشاره کرده بود که با وجود تأثیرپذیری قطب الدین از شهرزوری، این دو شرح در ماهیت کاملاً از هم متمایز هستند. اگرچه به نظر می رسد این اشکال با تذکر زیر برطرف می شود. والبریج می نویسد (والبریج، قطب الدین شیرازی و علم الاثوار، ترجمه قاسمی، ص ۱۵۱): «پاره ای از مسائل دیگر که به بررسی آنها نپرداختم، به موضوع اصیل بودن شرح حکمة الاشراف مربوط می شود. می دانیم که بعضی از عبارت های این کتاب نقل قول کلمه به کلمه از شرح شهرزوری است که قبل از آن نوشته شده بود. احتمالاً بعضی از نقطه نظرهایی را که ما به قطب الدین نسبت داده ایم، در اصل از شهرزوری بوده است. بدون تردید مقایسه شرح قطب الدین با شهرزوری ماهیت آرای خاص قطب الدین را آشکار می سازد.»

۹. ر.ک به: درة التاج، تصحیح مشکوة، مقدمه، ص ۶۹-۷۱ و ج ۱، ص ۱۳۲-۱۳۳، شماره گذاری دوم: [۲۱۲-۲۱۳].

۱۰. بخش ریاضی کتاب شامل چهار فن است: هندسه، هینت، ارثماطیقی (خواص اعداد)، موسیقی. (علم الحان) (م)

۱۱. این مورد از جانب تعدادی از محققان روسی که معتقدند منبع مورد استفاده قطب الدین شیرازی نوشته ای مفقود شده درباره اقلیدس از خواجه نصیرالدین طوسی بوده، مورد مناقشه قرار گرفته است. ر.ک به:

Kutb ad-Din ash-Shirazi: Kommentarii k, Traktatu o dvizhenii katcheniya I otnoshenii mezhd u ploskim u krivim, Ed.

G.P. Matvievskaya, pp. 175-228; A.K. Kubessev: Infinitesimalnye metody Nasireddina Tusi, pp. 147-52.

۱۲. بخش حساب (ارثماطیقی) درة التاج به صورت جداگانه توسط سید عبدالله انوار تصحیح و با تعلیقاتی منتشر شده است. (تهران، میراث مکتوب، ۱۳۹۸) ایشان در مقدمه خود بخش حساب را تحت تأثیر رساله حساب شفا دانسته اند. (ص سیزده، مقدمه) (م)

موسیقی<sup>۱۳</sup> از رساله الشرفیة فی النسب التالیفیة از معاصر قطب الدین، صفی الدین ارموی (متوفای ۶۹۳ق)<sup>۱۴</sup> با افزوده‌هایی از الموسیقی الکبیر فارابی (متوفای ۳۳۹ق) و بخش موسیقی ابن سینا در الشفاء اخذ شده است. دو اثر فخرالدین الرازی، الأربعین فی اصول الدین و اسرار التنزیل منابع اصلی برای بخش نخست خاتمه (در اصول دین) بودند. سید محمد مشکوة مدعی شده است که آخرین بخش خاتمه در سلوک از مناهج العباد إلى المعاد سعیدالدین فرغانی (متوفای ۶۹۵ق) اخذ شده است.<sup>۱۵</sup> ماهدخت بانو همایی در مقدمه‌اش بر تصحیح بخشی از این کتاب (۱۹۹۱م) نشان می‌دهد که بخش حکمت عملی خاتمه به استثنای یک قسمت که ترجمه‌ای از فصول المدنی فارابی و برخی اضافات کوچک از کتاب الأربعین فخرالدین الرازی است،<sup>۱۶</sup> از لطایف الحکمة سراج الدین الارموی (متوفای ۶۸۲ق) گرفته شده است.

مشکوة در همان زمان درباره بخش‌های منطقی، فلسفه اولی، طبیعیات و الهیات (جمله ۱، ۲، ۳ و ۵) ادعا کرد که این بخش‌ها نیز به همین ترتیب نوشته خود قطب الدین شیرازی نیستند، بلکه حاوی نقل قول‌ها یا ترجمه‌های منابع قدما هستند. مشکوة اظهار کرد که او قادر به شناسایی این منابع نیست. به دلیل وجود سرشت اشراقی این بخش‌ها، وی حدس می‌زند که منابع قطب الدین برگرفته از یک یا چند اثر سه‌رودی یا شجرة الإلهیة شهرزوری بوده است.<sup>۱۷</sup> اگرچه در بعضی مواقع به شیوه‌ای غیردقیق و اغلب بدون سند چنین نسبتی به وی داده می‌شود،<sup>۱۸</sup> [اما] حدس علمی مشکوة توسط

۱۳. بخش موسیقی دره التاج به صورت جداگانه توسط نصرالله ناصح‌پور تصحیح و با تعلیقاتی منتشر شده است. (تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷) (م)

۱۴. همچنین ر.ک به:

Safi al-Din al-Urmawi In: Encyclopaedia of Islam, p. 807.

۱۵. جان والبریح به دنبال اشاره‌ای از ویلیام جیبتیک به تازگی مجدداً استدلال کرده است که بخشی از عرفان عملی به طور کامل از مناهج العباد إلى المعاد سعیدالدین فرغانی گرفته شده است، اما وی به این نکته اشاره نکرده که این مطلب قبلاً توسط سید محمد مشکوة بیان شده است. ر.ک به:

John T. Walbridge: A Sufi Scientist of the Thirteenth Century: The Mystical Ideas and Practices of Qutb al-Din Shirazi, pp. 323-340.

با وجود این، میزان وابستگی قطب الدین به این اثر توسط والبریح مشخص نشده است، چنان‌که می‌نویسد (ص ۳۲۶-۳۲۷): «گرچه من مناهج را ندیده‌ام، به دو دلیل هویت مناهج با فصل‌های فقه و عرفان در دره التاج قابل اثبات است: اولاً عناوین بخش اول و بخش‌های دوم مناهج با آنچه در دره التاج آمده است یکی هستند. ثانیاً قطب الدین خودش می‌گوید که بخش عرفانی توسط شخص دیگری نوشته شده است و جامی در شرح حال فرغانی چندین عبارت از مناهج را نقل می‌کند که کلمه به کلمه با عبارات متناظر آن در دره التاج منطبق است». [ناجی اصفهانی این بخش را همچنین برگرفته از تحفة البرة مجدالدین بغدادی دانسته است. (ص چهارم مقدمه الکاشف) (م)]

۱۶. تصحیح همایی، مقدمه، ص ۳۳-۵۱، ۲۲۷-۲۲۲. [ناجی اصفهانی این بخش را همچنین برگرفته از اخلاق ابن مسکویه دانسته است. (ص چهارم مقدمه الکاشف) (م)]

۱۷. تصحیح مشکوة، مقدمه، ص ۶۹.

۱۸. والبریح (قطب الدین شیرازی و علم الانوار، ترجمه قاسمی، ص ۸۵) به نظر می‌رسد که ترجیح می‌دهد حدس مشکوة را نادیده بگیرد، هنگامی که می‌نویسد: «به هر تقدیر، هیچ یک از بخش‌هایی که به لحاظ فلسفی حائز اهمیت اند، به استثنای قسمت‌هایی از حکمت عملی و عرفان، ترجمه مستقیمی از یک اثر نیستند». اگرچه او بعداً می‌نویسد (قطب الدین شیرازی و علم الانوار، ترجمه قاسمی، ص ۱۶۰): «فصل‌هایی که در اصل از قطب الدین است، معروف بود که از طرح جنبه‌های اسرارآمیزتر

محققان بعدی تکرار شده است.

البته قطب‌الدین شیرازی در میان اشراقیان دوران خود با شرح حکمة الاشراق شهرزوری از نزدیک آشنا بود. اگرچه هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که وی کتاب اخیر، یعنی شجرة الإلهیة (نوشته شده در تاریخ ۶۸۰ق) را می‌شناخته است. بالعکس به نظر می‌رسد شجرة الإلهیة فقط در قرن نهم هجری رواج یافته است.<sup>۱۹</sup> ظاهراً اولین فیلسوف مطلع از شجرة الإلهیة شهرزوری جلال‌الدین دوانی (متوفای ۹۰۸ق) است که به ثمره الشجرة الإلهیة اشاره می‌کند که ظاهراً نوعی خلاصه یا چکیده از شجرة الإلهیة است که در حال حاضر هیچ چیز بیشتری درباره آن نمی‌دانیم.<sup>۲۰</sup> ظاهراً اولین متفکری که از شجرة الإلهیة به عنوان یک منبع به طور گسترده استفاده کرد، ابن ابی‌جمهور الاحسایی (متوفای ۹۰۶ق) است. کسی که به نظر می‌رسد با فلسفه اشراق توسط یکی از شاگردان دوانی، یعنی شرف‌الدین حسن الفتال النجفی (زنده در ۸۷۰ق) آشنا شده است.<sup>۲۱</sup> استفاده گسترده‌ای از شجرة الإلهیة نیز توسط محمود النیریزی (متوفای ۹۳۲ق) در تفسیر خود بر الواح العمادیة سهروردی انجام شده است.<sup>۲۲</sup> شجرة الإلهیة در قرن یازدهم هجری به خوبی شناخته شده بود و متناوباً از جانب نمایندگان مکتب اصفهان مورد استناد بود.<sup>۲۳</sup>

قطب‌الدین اگر نگوییم بیشتر، به همان میزان با نوشته‌های معاصر قدیمی ترش سعد بن منصور بن کمونه (متوفای ۶۸۳ق) آشنا بود که به نظر می‌رسد در آن زمان اثر وی بسیار رایج‌تر از آثار شهرزوری بوده است.<sup>۲۴</sup> هلموت ریتز در شرح تفصیلی خود از نسخه‌های خطی اشراقی در کتابخانه‌های

---

فلسفه عرفانی اجتناب ورزیده است ... منابع عمده دیگر او شامل آثار زیر می‌شد: شفاى ابن سینا، المشارع و المطارحات، حکمة الاشراق سهروردی و شجرة الهیة شهرزوری در بخش‌های فلسفی. همچنین رک به: قطب‌الدین شیرازی و علم الانوار، ترجمه قاسمی، ص ۱۴۹، جایی که او می‌نویسد: «ما این اثر را بر بنیاد این فرض استوار ساختیم که سهروردی بیشترین تأثیر را بر قطب‌الدین گذاشته است. مشهورترین اثر فلسفی او روی هم رفته شرح حکمة الاشراق بود. تأثیر سهروردی بر ذرة التاج نیز آشکار است ... بر اساس بررسی‌های پراکنده‌ای که در کتاب المشارع و المطارحات داشتیم، تصور می‌کنم ارتباط ذرة التاج با اندیشه‌های سهروردی در پرتو آن آشکارتر می‌نماید». والبریج در هیچ‌کجا از مطالعات خود معرفی نکرد که کدام یک از فصول این اثر را واقعاً از آن قطب‌الدین به حساب می‌آورد. مشخص نکرده است دقیقاً او در چه مواردی وابستگی قطب‌الدین به متون ذکر شده از سهروردی و شهرزوری را دریافته است. بکار می‌نویسد (طبقه‌بندی علوم از نظر حکمای مسلمان، ص ۲۹۰): «این دایرة‌المعارف گذشته از مقدمه آن، شامل پنج کتاب می‌شود که در زمینه منطق، فلسفه اولی، علم طبیعی، ریاضیات و علم الهی است و خاتمه‌ای در چهار بخش دارد که به بحث در باب دین و عرفان می‌پردازد. مطالب هر کتاب از آثار نویسندگان گوناگون گرفته شده است. این اثر که رساله‌ای ما بعد الطبیعی به شمار آمده، اساساً از نوشته‌های ابن سینا و سهروردی تأثیر پذیرفته است».

۱۹. ن. گورگون (N. Gorgun) شجره را در رساله دکتری منتشر نشده خود تصحیح کرده (Marmara Üniversitesi, 1996) که اخیراً منتشر شده است. (استانبول، ۲۰۰۴) تصحیح دیگر این اثر توسط دکتر نجفعلی حبیبی در مؤسسه حکمت و فلسفه ایران (۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵) منتشر شده است.

۲۰. رک به: جلال‌الدین دوانی: «انموذج العلوم»، ص ۳۰۲. برای دوانی رک به: کتابشناسی رضا پورجوادی: کتابشناسی آثار جلال‌الدین دوانی، ص ۸۱-۱۳۸۰.

۲۱. رک به: زابینه اشمیتکه: «تأثیر شمس‌الدین شهرزوری (قرن هفتم هجری) بر ابن ابی‌جمهور الاحسایی (متوفای ۹۰۴ق) یادداشت مقدمه‌مانی». [این مقاله توسط محمدکاظم رحمتی ترجمه و در نشریه کتاب ماه دین، ص ۴۶-۵۳ منتشر شده است. (م) Eadem: Die Gedankenwelten Des Ibn Abī Ġumhūr al-Ahsā'ī, p. 17 and passim.

۲۲. Reza Pourjavady: Philosophy in Early Safavid Iran, 224 pp.

۲۳. رک به: حسین ضیایی، «معرفی و بررسی نسخه خطی شجرة الهیة اثر فلسفی شمس‌الدین محمد شهرزوری»، ص ۸۹-۱۰۸.

۲۴. درباره ابن کمونه رک به: زابینه اشمیتکه و رضا پورجوادی، فیلسوف یهودی بغداد (ابن کمونه و آثار او)، ترجمه جواد قاسمی،

استانبول، چهار نسخه از شرح شهرزوری بر تلویحات سهروردی را فهرست کرده است. در میان آنها نسخه خودنوشته و نسخه دیگری که در دهه سوم از قرن هشتم هجری نوشته شده است وجود دارد. او درباره دو اثر دیگر اطلاعاتی نمی دهد. ریتز از شرح ابن کمونه بر این اثر هفده نسخه را فهرست می کند که قدمت ده نسخه از آنها بین سال های ۶۸۴ و ۷۶۶ ق است و چهار نسخه از آنها در طول عمر قطب الدین شیرازی استنساخ شده اند. او در ادامه دو نسخه قدیمی را که هر یک شامل حداقل دو نوشته از ابن کمونه است، به ترتیب توصیف می کند.<sup>۲۵</sup> شاهد دیگری بر اینکه اثر شهرزوری در طول زندگی یا اندکی پس از مرگ وی رایج نبوده، فقدان اطلاعاتی درباره زندگی نامه وی است.<sup>۲۶</sup>

همچنین هانری کربن به این مسئله اشاره کرده که قطب الدین نسخه ای ارزشمند از شرح التلویحات ابن کمونه در اختیار داشته است که در سال های ۶۹۲-۶۹۳ ق به یکی از فرزندان امیر اهدا کرده است.<sup>۲۷</sup> علاوه بر این یک نسخه قدیمی شامل نوشته های متعددی از ابن کمونه موجود است که توسط یکی از شاگردان قطب الدین به نام تاج الدین محمود الشریف الکرمانی استنساخ شده است.<sup>۲۸</sup> این مطلب همچنین نشان دهنده رواج آثار ابن کمونه در میان شاگردان قطب الدین و حاکی از آن است که شاید قطب الدین آثار ابن کمونه را با تاج الدین الکرمانی و احتمالاً دیگر شاگردان وی می خوانده است.<sup>۲۹</sup> علاوه بر این احتمال دارد قطب الدین شخصاً ابن کمونه را بین سال های ۶۶۵ و ۶۶۷ ق، یعنی زمانی که او در بغداد مشهور بوده ملاقات کرده باشد؛<sup>۳۰</sup> جایی که به نظر می رسد محل دائمی اقامت ابن کمونه بوده است.

همان طور که اخیراً توسط سید حسین سید موسوی نشان داده شده است، قطب الدین از نوشته های ابن کمونه در شرح حکمة الاشراف مطالبی را نقل کرده است.<sup>۳۱</sup> به عنوان یک اصل کلی قطب الدین با عنوان «بعض الافاضل من المعاصرين» یا «المعاصرون من الافاضل» به او اشاره می کند. موسوی

اصفهان، ۱۳۹۴ (م). [در مطالعات مربوط جان والبریح و عثمان بکار هر دو ابن کمونه را به عنوان معاصر قطب الدین و مفسر مورد توجه سهروردی نادیده گرفته اند.

25. Hellmut Ritter: *Philologica ix. Die vier Suhraeardi. Ihre Werke in Stambuler Handschriften*, 24 (1937), pp. 273-275; 25 (1939), pp. 58,61.

26. Daniele Mascitelli: *L'identità di šams al-Din šahrazūrī filosofo isrāqī: un caso aperto*, pp. 219-227; Y Pierre Lory: *al-Shabrazūrī*, pp. 219-220.

27. سهروردی، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۱، ص ۱۱۴-۱۱۶ از مقدمه مصحح؛ همچنین ر. ک. به: Ritter: *Philologica ix*، p. 274..

28. کتابخانه فاتح نسخه شماره ۳۱۴۱؛ برای تاج الدین الکرمانی ر. ک. به: مینوی، «ملاقطب شیرازی»، ص ۱۹۲.

29. نسخه خطی اجازه ای که قطب الدین شیرازی به تاج الدین کرمانی داده و ممکن است حاوی اطلاعات بیشتری (نسخه خطی ۶۶۲۴، برگه ۲۸۱، کتابخانه یوسف آغا (قونیه)، تاریخ کتابت: ۶۹۶ ق) درباره آنچه کرمانی نزد قطب الدین خوانده است باشد در دسترس ما نبود.

30. ر. ک. به: درة التاج، تصحیح مشکوة، ص ۴۵؛ بکار، طبقه بندی علوم از نظر حکمای مسلمان، ص ۲۷۸-۲۷۹.

31. سید حسین سید موسوی: «ملاصدرا و ابن کمونه»، ص ۴۶-۵۳. [برای موارد دیگر ر. ک. به: پورجوادی، فیلسوف یهودی بغداد،

از دیدگاه خاص ابن کمونه در سه موضوع یاد می‌کند. وی یادآور می‌شود که قطب‌الدین از دو مورد اول پیروی کرده، اما در مورد سوم از ابن کمونه انتقاد کرده است. اولین نظریه ابن کمونه آن بود که تصدیق زیرمجموعه‌ای از تصور است.<sup>۳۲</sup> نظریه دوم مبحث قدّم نفس بود.<sup>۳۳</sup> نظریه سوم این بود که بسیط نمی‌تواند از مرکب سرچشمه بگیرد (لا يجوز صدور البسيط من المركب).<sup>۳۴</sup> مطلب دیگری که موسوی به آن اشاره نکرده است و قطب‌الدین در آن از ابن کمونه جانبداری می‌کند، در مبحث منطق موجّهات است. جایی که ابن کمونه بیان می‌کند که «هیچ الف ضرورتاً ب نیست» معادل است با «هیچ الف همواره ب نیست». این موضوع، نخست توسط ابن کمونه ناظر به دیدگاه کاتبی (متوفای ۶۷۵ق) مورد بحث قرار گرفته و بعداً در کاشف او منعکس شده است.<sup>۳۵</sup> قطب‌الدین از بحث میان ابن کمونه و کاتبی مطلع بود و از ابن کمونه جانبداری می‌کرد. او از استدلال کاتبی که به او با عنوان «بعض الاکابر الفضلا من المتأخرین» اشاره می‌کند انتقاد کرده است.<sup>۳۶</sup>

بزرگ‌ترین اثر مستقل ابن کمونه در فلسفه کتابی تدوین شده در هفت باب<sup>۳۷</sup> و هر یک شامل هفت فصل است که برای دولت شاه بن الامیر سیف‌الدین سنجری الصاحبی تدوین شده<sup>۳۸</sup> و در نوزدهم ذی القعدة سال ۶۷۶ هجری آن را به پایان رسیده و بعداً با عناوین الکاشف یا الجدید فی الحکمة و عناوین مشابه دیگر که از این پس از آن با عنوان کاشف یاد می‌کنیم<sup>۳۹</sup> منتشر شده است. یک مقایسه نظام‌مند میان این اثر و درة التاج قطب‌الدین شیرازی نشان می‌دهد که بخش‌های متأخر فلسفه اولی، طبیعیات و ریاضیات (جمله دو، سه و پنج) در واقع ترجمه باب‌های دو، سه، چهار، پنج و شش از

۳۲. در تعلیقه بر شرح حکمة الإشراف (ج ۲، ص ۱۹) ملاصدرا اشاره می‌کند که این مفهوم خاص در حقیقت از ابن کمونه نشأت گرفته، نه از قطب‌الدین. همچنین ر.ک به: سید موسوی، «ملاصدرا و ابن کمونه»، ص ۴۶-۴۸.

۳۳. ر.ک به: سید حسین سید موسوی، «ملاصدرا و ابن کمونه»، ص ۵۱-۵۳. قطب‌الدین در مواردی قسمتی از مقالات فی اثبات ابدیت نفس الإنسان ابن کمونه را نقل و در مواردی تلخیص کرده است. (شرح حکمة الإشراف، ص ۴۳۱-۴۳۲؛ انسیه برخوا: تصحیح رساله ازلية النفس و بقائها تألیف ابن کمونه. رساله کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، ص ۹۱-۹۲. [این کتاب در سال ۱۳۸۶ توسط انتشارات کتابخانه مجلس منتشر شده است. (م)])

۳۴. شرح حکمة الإشراف، ص ۲۴۹-۲۵۰؛ ر.ک به: سید حسین سید موسوی، «ملاصدرا و ابن کمونه»، ص ۴۸-۵۱. ما تاکنون نتوانستیم نقل قول دقیقی در نوشته‌های ابن کمونه پیدا کنیم. با این حال استدلالات و عبارات مشابهی هستند که در کاشف او یافت می‌شوند: (ص ۲۴۹) در مقالات فی اثبات ابدیت نفس انسانی (ص ۹۷) و در مقالات أن النفس لیست بمزاج البدن ولا کائنة عن مزاج البدن (در انسیه برخوا: تصحیح رساله ازلية النفس، ص ۱۳۸-۱۳۹). نقل دیگری که بدون شک از اثر ابن کمونه یا از مکاتباتش با کاتبی (متوفای ۶۷۵ق) یا الکاشف گرفته شده در شرح حکمة الإشراف یافت می‌شود: ص ۹۰ (سطر یک)-۹۱ (سطر چهار).

۳۵. کاشف، ش ۳۴، ص ۲۰۳-۲۰۵.

۳۶. شرح حکمة الإشراف، ص ۹۰ (سطر ۱)- ۹۱ (سطر ۴).

۳۷. برای نمونه: باب الأول: فی آله النظر المسماة بالمنطق؛ باب الثاني: الأمور العامة للمفهومات کلها؛ باب الثالث: أقسام الأعراف الوجودية و الاعتبارية؛ باب الرابع: فی الأجسام الطبيعية؛ باب الخامس: فی النفوس و صفاتها و آثارها؛ باب السادس: فی العقول؛ باب السابع: فی واجب الوجود.

۳۸. درباره او ر.ک به: ابن الفوطی: مجمع الآداب فی معجم الألقاب، ج ۱، ص ۱۸۲-۱۸۳ (شماره ۱۸۵).

۳۹. تصحیح و مقدمه حمید مرعید الکبیسسی (بغداد ۱۴۰۳ق). بر اساس این تصحیح یک رساله کارشناسی ارشد ناظر به محتوای متن رساله با راهنمایی هانس دایبر نوشته شده است:

Christine Fink: Ibn Kammuna über die Grundbegriffe der Philosophie. Analyse eines Kapitels aus seinem Werk 'Das Neue in der Philosophie'. MA thesis Frankfurt/ Main 1997.



کاشف ابن کمونه هستند. به غیر از تفاوت های بسیار جزئی هیچ تفاوتی میان متن ابن کمونه و ترجمه قطب الدین مشاهده نمی شود که به نظر می رسد بیشتر آنها نیز نتیجه مخدوش بودن متن چاپ شده از کاشف است یا احتمالاً نسخه مورد استفاده قطب الدین نیز متمایز از نسخه های استفاده شده توسط مصححین جدید است. او حتی نظرات دیباچه ابن کمونه را که در واقع مخالف با مفاد درة التاج است نگه داشته است. برای مثال در بخش فلسفه اولی، قطب الدین شیرازی نظرات ابن کمونه را که بحث درباره کیفیات بالکم المتصل در علم حساب بود ترجمه کرد که فراتر از هدف این کتاب، یعنی کاشف بود؛<sup>۴۰</sup> اگرچه قطب الدین از علم حساب در جمله چهارم بحث می کند. البته قطب الدین هر آنچه ابن کمونه از منابع پیشین برگرفته، مثل مقامات الصوفیة سهروردی را ترجمه کرده است.<sup>۴۱</sup>

عبارات جمله اول درة التاج که درباره منطق است، در مقایسه با عبارات جمله دو، سه و پنج بسیار کمتر تحت تأثیر کاشف است. به ویژه سه فصل اول (مقاله) این جمله برگرفته از کاشف نیستند؛ اگرچه قطب الدین در این بخش نیز به وضوح الهام گرفته از کاشف ابن کمونه است، چند فصل و عناوین مربوط به آن دقیقاً مطابق با کاشف است. در این سه فصل قطب الدین از چندین اثر دیگر استفاده کرده است که برخی از آنها مشخص شده اند، یعنی الشفا و الاشارات و التنبيهات ابن سینا، [؟] فارابی، المطارحات سهروردی، الأوسط جرجانی، الملخص فی الحکمة و المنطق فخرالدین الرازی، فصول بقراط. علاوه بر این وی به «استاد خاتم الحکما»، «بعضی از محققین» و به «متأخرین» اشاره دارد که هنوز هویت مربوط به آنها باید روشن شود. فصل های چهار، پنج و هفت از بخش منطق به وضوح برگرفته از اثر ابن کمونه است. در اینجا قطب الدین با استثنائات بسیار جزئی، متن کامل از فصل های متناظر کاشف را ترجمه کرده و آن را با توضیحات متعدد، افزودن مثال و مطالب تکمیلی دیگر کامل کرده است. در بعضی از موارد قطب الدین مستقیماً از «بعضی متأخران» یا «بعضی (از) متأخران» که مجدداً هویت آنها نیز باید روشن شود انتقاد می کند.<sup>۴۲</sup> علاوه بر این در تمامی فصل های چهار، پنج و هفت تغییرات ویرایشی ایجاد کرده است. به علاوه وی مطالب ارائه شده در هر فصل (مقاله) بخش منطق را حتی در موضعی که مفاد آن را از ابن کمونه اخذ کرده است به چند «تعلیم» تقسیم می کند. مقاله ششم ترجمه تحت اللفظی مربوط به فصل ششم کاشف است. (به ضمیمه نگاه کنید)

قطب الدین در مقدمه درة التاج بیان می کند که دباغ بن فیلشاه<sup>۴۳</sup> حاکم گیلان،<sup>۴۴</sup> تألیف کتابی جامع

۴۰. کاشف، ص ۲۸۱-۲۸۲.

۴۱. این اثر با عنوان کلمة التصوف نیز شناخته شده است. ص ۴۵۹ کاشف (= درة التاج، ج ۴، ص ۱۱۶-۱۱۷ [۷۳۶-۷۳۷]) از ص ۱۳۳ کلمة التصوف اخذ شده است (سهروردی، کلمة التصوف، مجموعه مصنفات، ج ۴، ص ۴۷۱ کاشف (= درة التاج، ج ۴، ص ۱۲۶-۱۲۷ [۷۴۶-۷۴۷]) از صص ۱۲۹-۱۳۱ کلمة التصوف اخذ شده است.

۴۲. رک به: درة التاج، ج ۲، ص ۱۳۹ [۴۳۱]، سطر ۱۷ تا ص ۱۴۰ [۴۳۲]، سطر ۵؛ ج ۲، ص ۱۳۲ [۴۲۴]، سطر ۵-۱۸.

۴۳. دباغ بن السلطان السعید حسام الدولة و الدین فیلشاه بن الملک المعظم سیف الدین رستم بن دباغ. (م)

۴۴. رک به: درة التاج، ج ۱، ص ۹ [۱۸۹]. اوی امیری از خاندان اسحاقیان بود که در سال ۷۰۶ ق به دست مغولان سزنگون شد. (والبریح، قطب الدین شیرازی و علم الانوار، ص ۱۶۰) (م)

در فلسفه به زبان فارسی شامل منطق، طبیعیات، الهیات و ریاضیات را به او سفارش داده است.<sup>۴۵</sup> مطمئناً می‌توان فرض کرد که قطب‌الدین برای این اثر حق‌الزحمه دریافت کرده است.<sup>۴۶</sup> همچنین برای انجام دادن این کار او قاعدتاً آثاری از پیشینیان و به‌ویژه دانشمندان معاصر وی به عنوان بهترین موارد در هر رشته می‌شناخته را انتخاب و ترجمه کرده است. روش او در بخش منطق نشان می‌دهد که وی در ابتدا قصد داشته از کاشف فقط به عنوان راهنما برای بخش فلسفی استفاده کند. احتمالاً به علت کمبود زمان یا دلایل عملی دیگر به این روش در بخش‌های بعدی ادامه نداده است.<sup>۴۷</sup>

این واقعیت که به‌استثنای قسمت‌هایی از بخش منطق هیچ بخش فلسفی‌ای از بخش‌های دره‌التاج در اصل توسط قطب‌الدین شیرازی نوشته نشده، حاکی از آن است که اهمیت وی به عنوان یک فیلسوف باید مجدداً بررسی شود.<sup>۴۸</sup> ارزیابی منصفانه‌ی اصالت او در این رشته نیازمند بررسی دقیق تفسیر وی بر حکمة‌الاشراق است. از توضیحاتی که کربن درباره‌ی این اثر می‌دهد،<sup>۴۹</sup> همچنین از کم‌بودن ارجاعاتی که پیش از این به نقل قول‌های اخذ شده از متون ابن‌کمون داده شد، مشخص می‌شود که دیدگاه‌های فلسفی شخصی قطب‌الدین به‌وضوح در آن شرح قابل تشخیص هستند. در مقابل، با توجه به وابستگی شدید دره‌التاج به کاشف ابن‌کمون به‌سختی می‌توان آن را به عنوان منبعی برای مطالعه‌ی دیدگاه‌های فلسفی قطب‌الدین مورد استفاده قرار داد.<sup>۵۰</sup> با وجود این در زمینه منطق این مطلب صدق نمی‌کند. اگر در واقع این بخش توسط خود قطب‌الدین نوشته شده باشد و به‌طور مشابه از منبع تاکنون ناشناخته دیگری گرفته نشده باشد، در این صورت ترکیب‌بندی او از سه فصل اول در این بخش و تفسیرها و ملحقات متن کاشف ابن‌کمون در چهار بخش باقیمانده این جمله، آن را یک منبع مهم برای مطالعه‌ی دیدگاه‌های او در این زمینه می‌سازد. علاوه بر این، همان‌طور که از عناوین یکسان فصل‌ها در این بخش دیده می‌شود، از آنجا که قطب‌الدین در تدوین مطالب خود نه تنها در بخش موضوعات فلسفی، بلکه در منطق نیز از ابن‌کمون پیروی می‌کند، احتمالاً برخلاف آنچه عثمان بکار حدس زده است، نمی‌توان امتیاز طبقه‌بندی تا حدی جدید و بدیع علوم را برای قطب‌الدین در نظر گرفت.<sup>۵۱</sup> ادعای اصالت وی در این زمینه فقط زمانی قابل طرح است که

۴۵. رک به: همان، ج ۱، ص ۲۱ [۱۰۱].

۴۶. رک به: همان، ج ۱، ص ۲۱-۲۲ [۱۰۱-۱۰۲].

۴۷. رک به: همان، ج ۱، ص ۲۱ [۱۰۱]. در اینجا قطب‌الدین بیان می‌کند که در آن زمان بسیار پرمشغله بوده است.

۴۸. در شرح حال قطب‌الدین آمده است که وی از روی کتاب‌ها به صورت پنهانی رونویسی می‌کرده یا آنها را به امانت گرفته و پس نمی‌داده است. (والبریج، قطب‌الدین شیرازی و علم‌الانوار، ترجمه قاسمی، ص ۳۳) این مطلب اگر صحیح باشد، نشان‌دهنده روحیه کلی است که می‌توان آثار آن را در تألیف کتاب دره‌التاج نیز مشاهده کرد. علاوه بر آنکه گفته شده که پیش‌نویس آثار وی همان پاک‌نویس آن بوده است (همان، ص ۳۴) که می‌تواند تأییدی بر این دیدگاه باشد که وی کتاب‌های خود را مستقیماً از روی آثار دیگران تهیه می‌کرده، در نتیجه نیازی به پاک‌نویس نداشته است! (م)

۴۹. رک به: سه‌رودی، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۲، پیشگفتار، ص ۶۴-۷۱.

۵۰. Ziva Vesel: Les encyclopédies persanes, p. 14.

۵۱. بکار، طبقه‌بندی علوم از نظر حکمای مسلمان، ص ۳۰-۳۱۰ (فصل ۱۱: طبقه‌بندی علوم از نظر قطب‌الدین شیرازی).

تمامی بخش های فاتحه، جمله چهارم و خاتمه دایرة المعارف درة التاج مورد تأمل و بررسی قرار گیرد. برای مطالعه بیشتر این کمونه نیازمند یک تصحیح انتقادی جدید از کاشف وی هستیم. برای این کار باید از ترجمه این اثر توسط قطب الدین شیرازی در درة التاج استفاده شود. از آنجا که قطب الدین حدوداً سی سال پس از به پایان رساندن کاشف این کمونه این متن را ترجمه کرده است، کار او باید مبتنی بر نسخه ای بسیار اصیل (احتمالاً حتی نسخه دستنویس مولف) از این اثر باشد. علاوه بر این، بررسی دقیق نسخه های موجود از کاشف این کمونه نیز برای ایجاد یک نسخه منقح از درة التاج قطب الدین شیرازی مفید خواهد بود.<sup>۵۲</sup>

### ضمیمه

#### کاشف این کمونه و ترجمه قطب الدین شیرازی از آن در درة التاج

جلد / صفحه	درة التاج قطب الدین شیرازی بر اساس تصحیح سید محمد مشکوة	شماره صفحه	الجدید فی الحکمة (الكاشف) این کمونه بر اساس تصحیح حمید مرعید الكبیسی
ج ۲، صص ۴۳-۱-۲۹۳- [۳۳۵]	جمله ۱: در منطق مقاله اول [از فن اول]: در بیان ماهیت منطق و منفعت آن؛ در بیان موضوع منطق؛ در بیان اموری که تقدیم آن واجب است توطئه را. در ادامه به سه قسمت [با عنوان] (تعلیم) تقسیم می شود: در بیان ماهیت منطق و منفعت آن (ص ۱ [۲۹۳]); در بیان موضوع منطق (ص ۸ [۳۰۰]); در بیان اموری که تقدیم آن واجب است توطئه را و این مشتمل است بر مقدمه و سه فصل (ص ۱۳ [۳۰۵]). به جز عنوان فصل و پاراگراف های مقدماتی (کاشف ۱۵۱ / درة التاج، ج ۲، ص ۲۹۳) قطب الدین هیچ متنی را مستقیماً از کاشف ترجمه نکرده است. در عوض وی از چندین منبع دیگر استفاده کرده است که برخی از آنها عبارتند از: دانشنامه علائی (ص ۲ [۲۹۴]); ابن سینا: شفا، صص ۲ [۲۹۴]; ۴ [۲۹۶]; ۱۰ [۳۰۲]; ۲۳ [۳۱۵]; «متأخران»، صص ۳ [۲۹۵]; ۱۳ [۳۰۵]; ۲۸ [۳۲۰]; ۳۵ [۳۲۷]; ۴۱ [۳۳۳].	ص ۱۴۹ الی آخر ص ۱۵۱-۱۵۶	الباب الاول: فی آله النظر المسماء بالمنطق الفصل الاول: فی ماهية المنطق و منفعته و أمور ینتفع بها توطئة

۵۲. پس از انتشار این مقاله، تصحیح دیگری از الكاشف توسط حامد ناجی اصفهانی در سال ۱۳۸۷ش (تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و دانشگاه آزاد برلین) منتشر شده است. ناجی اصفهانی در مقدمه تصحیح خود به مقاله حاضر اشاره کرده و نوشته است: «در پی تصحیح نگارنده از کتاب الكاشف و مقابله کامل آن با این بخش از درة التاج که گزارش تطبیق آن در پانویست صفحات مشاهده می گردد، این نظر کاملاً تأیید شد، جز آنکه باید اذعان داشت که بخش منطق درة التاج به مراتب کامل تر و استوارتر از کار این کمونه است.» (ص چهل و شش مقدمه (م))

جدد / صفحه	درة التاج قطب الدین شیرازی بر اساس تصحیح سید محمد مشکوة	شماره صفحه	الجدید فی الحکمة (الکاشف) ابن کمونه بر اساس تصحیح حمید مرعید الکیسی
ج ۲، صص ۴۴-۵۰ [۳۳۶-۳۴۲]	مقاله دوم: در اکتساب تصورات در ادامه به دو بخش [با عنوان] (تعلیم) تقسیم می شود: در اقسام و احکام معرفات کی آن را اقوال شارحه خوانند (ص ۴۴ [۳۳۶])؛ در اغلاط اقوال شارحه (ص ۴۸ [۳۴۰])، به جز عنوان فصل، قطب الدین هیچ متنی را از کاشف ترجمه نکرده است.	ص ۱۵۷-۱۶۰	الفصل الثانی: فی اکتساب التصورات
ج ۲، صص ۵۰-۹۷ [۳۸۹-۳۴۲]	مقاله سوم: در قضایا و اقسام و احکام آن در ادامه به هفت بخش [با عنوان] (تعلیم) تقسیم می شود: در تعریف و تقسیم قضیه (ص ۵۱ [۳۴۳])؛ در اجزاء حملیه (ص ۵۴ [۳۴۶])؛ در خصوص و حصر و اهمال قضایا (ص ۵۶ [۳۴۸])؛ در تحقیق محصورات (ص ۶۱ [۳۵۳])؛ در عدول و تحصیل (ص ۷۹ [۳۷۱])؛ در جهات (ص ۸۳ [۳۷۵])؛ در قضایای شرطی (ص ۸۷ [۳۷۹])، به جز عنوان فصل، قطب الدین هیچ متنی را از کاشف ترجمه نکرده است. در عوض وی از چندین منبع دیگر استفاده کرده است که برخی از آنها عبارتند از: ابن سینا (صص ۵۴ [۳۴۶]، ۶۲ [۳۵۴]، ۶۷ [۳۵۹]، ۷۶ [۳۶۸]، ۷۸ [۳۷۰])؛ ابن سینا: الشفاء (صص ۵۷ [۳۴۹]، ۵۸ [۳۵۰]، ۶۶ [۳۵۸]، ۶۸ [۳۶۰]، ۷۰ [۳۶۲]، ۱۱۰ [۴۰۲])؛ ابن سینا: منطق شفا (ص ۷۵ [۳۶۷])؛ ابن سینا: الاشارات (ص ۵۷ [۳۴۹]، ۵۸ [۳۵۰]، ۷۰ [۳۶۲]، ۷۱ [۳۶۳])؛ فارابی (صص ۶۳ [۳۵۵]، ۷۳ [۳۶۵])؛ المطارحات سهوردی (ص ۷۰ [۳۶۲])؛ الاوسط جرجانی (ص ۷۰ [۳۶۲])؛ الملخص فخرالدین الرازی (ص ۷۰ [۳۶۲])؛ بقراط: الفصول (ص ۷۰ [۳۶۲])؛ «استاد خاتم حکما» (ص ۵۸ [۳۵۰])؛ «متأخران» (صص ۶۹ [۳۶۱]، ۷۱ [۳۶۳]، ۷۲ [۳۶۴])؛ «بعضی از محققان» (ص ۷۸ [۳۷۰])،	ص ۱۶۱-۱۶۸	الفصل الثالث: فی القضایا واقسامها
ج ۲، صص ۹۷-۱۲۲ [۳۸۹-۴۱۴]	مقاله چهارم: در لوازم قضایا عند الانفراد در ادامه به چهار بخش [با عنوان] (تعلیم) تقسیم می شود: در تلازم و تعاند شرطیات بسیط و مختلط (ص ۹۸ [۳۹۰])؛ در تناقض (ص ۱۱۲ [۴۰۴])؛ در عکس مستوی (ص ۱۱۸ [۴۱۰])؛ در عکس نقیض (ص ۱۲۱ [۴۱۳])، توضیحات تکمیلی: صص ۱۱۶ [۴۰۸]، ۷-۱۱، ۱۱۷ [۴۰۹]، ۱۳-۱۶ و جدول، ۱۱۹ [۴۱۱]، ۵-۷، ۱۲۱ [۴۱۳]، ۸-۹، مطالب تکمیلی: صص ۹۷ [۳۸۹]، ۱۱-۱۱۳ [۴۰۵]، ۲، ۱۲۰ [۴۱۲]، ۱۷-۱۲۱ [۴۱۳]، ۶، تغییرات: کاشف صص ۱۶۹-۱۷۱: ۱؛ ۱۷۱: ۶ = درة التاج صص ۱۱۳ [۴۰۵]، ۲-۱۱۵ [۴۰۷]، ۲۰: کاشف ص ۱۷۵ = درة التاج ص ۱۲۲ [۴۱۴]، ۱۲-۱۳.	ص ۱۶۹-۱۷۶	الفصل الرابع: فی لوازم القضیه عند انفرادها

الجدید فی الحکمة (الکاشف) ابن کمونه بر اساس تصحیح حمید مرعید الکبیری	شماره صفحه	دره التاج قطب الدین شیرازی بر اساس تصحیح سید محمد مشکوة	جلد / صفحه
الفصل الخامس: فی القیاس البسیط	ص ۱۷۷-۱۸۷	<p>مقاله پنجم: در حجت                      در ادامه به مقدمه و سه بخش [با عنوان] (تعلیم) تقسیم می شود: در تعریف                      حجت و قیاس و تقسیم ایشان (ص ۱۲۳ [۴۱۵]); در قیاس اقترازی که مرکب                      باشد از دو حملی (ص ۱۲۵ [۴۱۷]); در قیاس اقترازی شرطی (ص ۱۳۹                      [۴۳۱]); در قیاس استثنایی (ص ۱۴۲ [۴۳۴]).</p> <p>تغییر در چینش متن: صص ۱۲۴ [۴۱۶]: ۱۲-۱۲۵ [۴۱۷]: ۹.                      توضیحات تکمیلی: صص ۱۳۰ [۴۲۲]: ۱۸، ۲۰، ۲۲-۲۳،                      ۱۳۱ [۴۲۳]: ۱-۲، ۱۲-۱۳،                      ۱۳۱ [۴۲۳]: ۲۲-۲۳، ۱۳۲ [۴۲۴]: ۳،                      ۱۳۴ [۴۲۶]: ۴، ۶، ۲۰-۲۱، ۲۲،                      ۱۳۵ [۴۲۶]: ۲-۱۱، ۳-۴،                      ۱۳۷ [۴۲۹]: ۱۱، ۱۳، ۱۵-۱۶، ۱۷-۱۸، ۱۹-۲۰.                      توضیحات انتقادی: صص ۱۳۲ [۴۲۴]: ۵-۱۸ (بر خلاف بعضی از                      متأخران).</p> <p>افزودن مثال: صص ۱۳۱ [۴۲۳]: ۱۴-۱۷،                      ۱۳۴ [۴۲۶]: ۶-۱۹.                      مطالب تکمیلی: صص ۱۲۵ [۴۱۷]: ۱۸-۱۸ [۴۱۸]: ۱۹،                      ۱۲۹ [۴۲۱]: ۱۱-۱۳ [۴۲۲]: ۱۷،                      ۱۳۱ [۴۲۳]: ۶-۱۲،                      ۱۳۱ [۴۲۳]: ۱۸-۱۹،                      ۱۳۳ [۴۲۵]: ۱۰-۱۳ [۴۲۶]: ۳،                      ۱۳۶ [۴۲۸]: ۶-۱۳ [۴۲۹]: ۱۰.</p> <p>تغییرات: به ترتیب بندهای مقدماتی در الکاشف (ص ۱۷۷: ۴-۷) و دره                      التاج (صص ۱۲۳ [۴۱۵]: ۵-۱۲ [۴۱۶]: ۱۱) متن های متفاوتی هستند.                      مطالب زیر نیز با یکدیگر ارتباط ندارند:                      الکاشف ص ۱۸۲: ۱۰-۱۵ ≠ دره التاج صص ۱۳۵ [۴۲۷]: ۸-۱۳ [۴۲۸]: ۳;                      الکاشف ص ۱۸۲: ۲۲-۱۸۳: ۲ ≠ دره التاج صص ۱۳۷ [۴۲۹]: ۲۱-۱۳۸                      [۴۳۰]: ۱.</p>	ج ۲ صص ۱۲۳- ۱۴۴ [۴۱۵-۴۳۶]

الجدید فی الحکمة (الكاشف) ابن کمونه بر اساس تصحيح حمید مرعید الکبیسى	شماره صفحه	درة التاج قطب الدين شيرازي بر اساس تصحيح سيد محمد مشكوة	جلد / صفحه
الفصل السادس: فى توابع الأقيسه و لواحقها	ص ۱۸۹-۱۹۳	<p>مقاله ششم: در توابع اقيسه و لواحق آن                      در ادامه به ده بخش [با عنوان] (تعليم) تقسيم می شود: در قياس مركب                      (ص ۱۴۵ [۴۳۷]); در قياس خلف (ص ۱۴۵ [۴۳۷]); در قياس مقسم (ص                      ۱۴۷ [۴۳۹]); در تكثر قياس (ص ۱۴۷ [۴۳۹]); در تكثر قياس (ص ۱۴۷                      [۴۳۹]); در قياس ضمير (ص ۱۴۷ [۴۳۹]); در قياس عكس (ص ۱۴۸                      [۴۴۰]); در قياس دور (ص ۱۴۸ [۴۴۰]); در استقراء نتايج و نتايج صادق از                      مقدمات كاذبه (ص ۱۴۹ [۴۴۱]); در اكتساب قياس (ص ۱۵۰ [۴۴۲]); در                      تحليل قياس (ص ۱۵۱ [۴۴۳]).                      توضيحات اضافه شده بر متن: صص ۱۴۸ [۴۴۰]: ۱۲-۱۳، ۲۰-۲۲،                      ص ۱۴۹ [۴۴۱]: ۲۰-۲۲،                      ص ۱۵۰ [۴۴۲]: ۶-۷.                      مثال اضافه شده بر متن: صص ۱۴۹ [۴۴۱]: ۵-۷، ۸، ۹-۱۰، ۱۱-۱۲، ۱۳،                      ۱۴-۱۹.</p>	ج ۲، صص ۱۴۴- ۱۵۲ [۴۴۴-۴۳۶]
الفصل السابع: في الصنائع الخمس التي هي البرهان و الجدل و الخطابة و الشعر و المغالطة	ص ۱۹۵-۲۰۷	<p>مقاله هفتم: در صناعات پنج گانه كی: برهان و جدل و خطابت و شعر و                      مغالطه است.                      در ادامه به پنج بخش [با عنوان] (تعليم) تقسيم می شود: در برهان (ص ۱۵۳                      [۴۴۵]); در جدل (ص ۱۵۶ [۴۴۸]); در خطابت (ص ۱۵۸ [۴۵۰]); در شعر                      (ص ۱۵۹ [۴۵۱]); در مغالطه (ص ۱۶۰ [۴۵۲]).                      توضيحات تكمیلی بر متن: صص ۱۶۰ [۴۵۲]: ۱۳-۱۶، ۱۶-۱۸،                      ص ۱۶۱ [۴۵۳]: ۱۵-۱۷،                      ص ۱۶۲ [۴۵۴]: ۵-۱۳،                      ص ۱۶۳ [۴۵۵]: ۱۲-۲۲،                      ص ۱۲۴ [۴۵۶]: ۲-۴، ۵-۱۳،                      ص ۱۷۷ [۴۶۹]: ۱۳-۱۶.                      مطالب تكمیلی بر متن: صص ۱۷۰ [۴۶۲]: ۴-۵، ۱۷۷ [۴۶۹]: ۸.                      ص ۱۷۷ [۴۶۹]: ۸-۱۳ مجدداً با ص ۲۰۷: ۳-۵ كاشف يكسان است.                      هر چند قطب الدين دو خط آخر این كمونه (كاشف، ص ۲۰۷: ۶-۷) را حذف                      کرده است كه این كمونه در انتهای آن توضیح می دهد كه او هیچ مثالی ذكر                      نكرده است، زیرا قطب الدين در واقع چنین [مواردی] را به متنش اضافه کرده                      است.</p>	ج ۲، صص ۱۵۳- ۱۷۷ [۴۶۹-۴۴۵]
الباب الثاني: في الأمور العامة للمفهومات كلها	ص ۲۰۹ الى آخر	جملة دوم: فلسفة اولی فن ۱: در امور عامه، جملة مفهومات را	ج ۳، صص ۱ [۴۷۹] الى آخر

جدد / صفحه	دره التاج قطب الدین شیرازی بر اساس تصحيح سيد محمد مشكوة	شماره صفحه	الجديد فى الحكمة (الكاشف) اين كمونه بر اساس تصحيح حميد مرعيد الكبيسى
ج ۳، صص ۱-۱۰ [۴۷۹- ۴۸۸]	مقاله اول: در وجود و عدم و احكام و اقسام ايشان	ص ۲۱۱-۲۱۸	الفصل الاول: فى الوجود و العدم و احكامها و اقسامها
ج ۳، صص ۱۰-۱۸ [۴۹۶-۴۸۸]	مقاله دوم: در ماهيت و تشخيص آن و آنج به آن منقسم شود	ص ۲۱۹-۲۲۵	الفصل الثانى: فى الماهية و تشخيصها و ما تنقسم اليه
ج ۳، صص ۱۸-۲۴ [۵۰۲-۴۹۶]	مقاله سوم: در وحدت و كثر و لواحق ايشان	ص ۲۲۷- ۲۳۲	الفصل الثالث: فى الوحدة و الكثرة و لواحقهما
ج ۳، صص ۲۴-۲۹ [۵۰۷-۵۰۲]	مقاله چهارم: در وجود و امكان و امتناع و آنج به اينها تعلق دارد	ص ۲۳۳- ۲۳۷	الفصل الرابع: فى الوجود و الامكان و الامتناع و ما يتعلق بها
ج ۳، صص ۲۰-۳۳ [۵۱۱-۵۰۷]	مقاله پنجم: در قدم و حدوث به هر دو معنى اعنى زمانى و ذاتى	ص ۲۳۸- ۲۴۱	الفصل الخامس: فى القدم و الحدوث
ج ۳، صص ۳۳-۴۶ [۵۲۴-۵۱۱]	مقاله ششم: در علت و معلول و مباحث ايشان	ص ۲۴۳- ۲۵۴	الفصل السادس: فى العلة و المعلول و مباحثهما
ج ۳، صص ۴۶-۵۲ [۵۳۰-۵۲۴]	مقاله هفتم: در جوهر و عرض و احوال كلى ايشان	ص ۲۵۵- ۲۶۲	الفصل السابع: فى الجوهر و العرض و احوالهما الكلية
ج ۳، صص ۵۳ [۵۳۱] الى آخر	فن دوم از جمله دوم: در اقسام اعراض وجودى و اعتبارى	ص ۲۶۳ الى آخر	الباب الثالث: فى اقسام الاعراض الوجودية و الاعتبارية
ج ۳، صص ۵۳-۵۸ [۵۳۶-۵۳۱]	مقاله اول: در مقادير [و] اعداد كى كميت قار الذات شامل ايشان باشد	ص ۲۶۵- ۲۷۰	الفصل الأول: فى المقادير و الأعداد التي يعمها جميعها كونها كمية قارة الذات
ج ۳، صص ۵۸-۶۴ [۵۴۲-۵۳۶]	مقاله دوم: در كميت غير قار و آن زمان است	ص ۲۷۱- ۲۷۷	الفصل الثانى: فى الكمية غير القارة و هى الزمان

جدد / صفحه	درة التاج قطب الدین شیرازی بر اساس تصحیح سید محمد مشکوة	شماره صفحه	الجدید فی الحکمة (الکاشف) ابن کمونه بر اساس تصحیح حمید مرعید الکیسی
ج ۳، صص ۶۵-۶۸ [۵۴۳-۵۴۶]	مقاله سوم: در آنج اعتبار نکنند درو از کیفیات کی او کمال جوهریست	ص ۲۷۹- ۲۸۳	الفصل الثالث: فیما لا یعتبر فیه من کیفیات
ج ۳، صص ۶۸-۷۸ [۵۴۶-۵۵۶]	مقاله چهارم: در کیفیات محسوسه به حواس ظاهر	ص ۲۸۵- ۲۹۴	الفصل الرابع: فی کیفیات المحسوسة
ج ۳، صص ۷۹-۹۴ [۵۵۷-۵۷۲]	مقاله پنجم: در انواع کیف کی ایشان را به حس ظاهر در نتوان یافت	ص ۲۹۵-۳۱۰	الفصل الخامس: فیما لیس من شأنه أن یحس بالحس الظاهر من أنواع کیف
ج ۳، صص ۹۴-۹۸ [۵۷۲-۵۷۶]	مقاله ششم: در اضافت	ص ۳۱۱-۳۱۵	الفصل السادس: فی الإضافة
ج ۳، صص ۹۸-۱۱۱ [۵۷۶-۵۸۹]	مقاله هفتم: در حرکت	ص ۳۱۷- ۳۳۰	الفصل السابع: فی الحركة
ج ۴، ص ۱ [۶۱۱] الی آخر	جمله سوم: در علم اسفل کی علم طبیعی است	ص ۳۳۱ الی آخر	الباب الرابع: فی الأجسام الطبیعیة و مقوماتها و أحكامها
ج ۴، صص ۱-۱۴ [۶۲۱- ۶۳۴]	مقاله اول: مقاله اول در مقومات (جسم) طبیعی و احکام عام آن، نه احکام خاص به هر جسمی	ص ۳۳۳- ۳۴۶	الفصل الاول: فی مقومات الجسم الطبيعي و أحكامه العامة
ج ۴، صص ۶۳۴-۶۴۶	مقاله دوم: در عناصر و احوال آن به اعتبار افراد	ص ۳۴۷- ۳۵۷	الفصل الثاني: فی العناصر و أحوالها باعتبار الأفراد
ج ۴، صص ۲۶-۳۰ [۶۴۶-۶۵۰]	مقاله سوم: در احوال این عناصر به اعتبار امتزاج و ترکیب ایشان	ص ۳۵۹- ۳۶۲	الفصل الثالث: فی حال هذه العناصر عند امتزاجها و ترکیبها
ج ۴، صص ۳۰-۳۸ [۶۵۰-۶۵۸]	مقاله چهارم: در کائناتی کی حدوث ایشان از عناصر نه به ترکیب است	ص ۳۶۳- ۳۷۱	الفصل الرابع: فی الكائنات التي حدوثها من العناصر بغير ترکیب
ج ۴، صص ۳۸-۴۵ [۶۵۸-۶۶۵]	مقاله پنجم: در آنج متکون می شود از عناصر بترکیب و آن موالید ثلاثه است: معدن و نبات و حیوان	ص ۳۷۳- ۳۷۹	الفصل الخامس: فیما یتکون عن العناصر بترکیب منها



جدد / صفحه	دره التاج قطب الدین شیرازی بر اساس تصحیح سید محمد مشکوة	شماره صفحه	الجدید فی الحکمة (الکاشف) ابن کمونه بر اساس تصحیح حمید مرعید الکیسی
ج ۴، صص ۵۵-۴۵ [۶۶۵-۶۷۵]	مقاله ششم: در اثبات محدود جهات و ذکر لوازم آن	ص ۳۸۱- ۳۹۰	الفصل السادس: فی اثبات المحدّد للجهات و ذکر لوازمه
ج ۴، صص ۶۹-۵۵ [۶۷۵-۶۸۹]	مقاله هفتم: در سایر افلاک و کواکب و ذکر جمله از احوال ایشان	ص ۳۹۱- ۴۰۵	الفصل السابع: فی سائر الأفلاک و الکواکب
ج ۴، صص ۷۰ [۶۹۰] الی آخر	فن دوم از جمله سوم: در نفوس و صفات و آثار آن	ص ۴۰۷ الی آخر	الباب الخامس: فی النفوس و صفاتها و آثارها
ج ۴، صص ۷۸-۷۰ [۶۹۸-۶۹۰]	مقاله اول: در اثبات وجود نفس و آنک معقولات او ممکن نباشد کی در (آلتی) بدنی (حاصل شود و آنک او در تعقل کی کمال) ذاتی اوست از بدن مستغنیست	ص ۴۰۹-۴۱۷	الفصل الاول: فی اثبات وجود النفس
ج ۴، صص ۸۴-۷۹ [۶۹۹-۷۰۵]	مقاله دوم: در قوی نباتی کی از نفس ظاهر می شود و شک نمی کنیم کی انسان و حیوان اعجم و نبات در آن مشترک اند	ص ۴۱۹- ۴۲۴	الفصل الثاني: فیما يظهر عن النفس من القوی النباتية
ج ۴، صص ۹۷-۸۵ [۷۱۷-۷۰۵]	مقاله سوم: در قوی حس و حرکت ارادی کی از نفس انسان صادر می شود و شک نمی کنیم در آن کی باقی حیوانات را حاصل است	ص ۴۲۵- ۴۳۷ <sup>۵۳</sup>	الفصل الثالث: فی قوی الحسّ و الحركة الإرادية
ج ۴، صص ۱۰۳-۹۷ [۷۱۷]- ۵۲ [۷۲۳]	مقاله چهارم: در قوی جند کی نمی دانیم کی غیر انسان را حاصل است از حیوانات	ص ۴۳۹- ۴۴۴	الفصل الرابع: فی القوی التي لا نعلمها حاصله لغير الإنسان من الحيوانات الآخر
ج ۴، صص ۱۱۸-۱۰۳ [۷۳۸-۷۲۳]	مقاله پنجم: در منامات و وحی و الهام و معجزات و کرامات و آثار غریب کی از نفس صادر شود و درجات عارفان و مقامات و کیفیت ریاضت ایشان	ص ۴۴۵- ۴۶۲	الفصل الخامس: فی المنامات و الوحي و الإلهام و المعجزات و الکرامات و الآثار الغريبة الصادرة عن النفس و درجات العارفين و مقاماتهم و كيفية ارتيائهم

۵۳. به دلیل مخدوش بودن چاپ الکاشف، بخش مربوط به دره التاج، ج ۴، ص ۹۷ [۷۱۷]: ۸-۱۸ که بر اساس ترتیب متن باید در ص ۴۳۷ پس از سطر ۷ باشد، اشتباهاً در ص ۴۴۰، سطرهای ۷-۱۲ چاپ شده است.  
 ۵۴. دره التاج، ج ۴، ص ۱۰۰ [۷۲۰]: ۱۰-۱۱ ناقص و مخدوش است. برای تصحیح و کامل کردن متن ر.ک به: الکاشف، ص ۴۴۱، سطرهای ۱۹-۲۲.

جدد / صفحه	درة التاج قطب الدين شيرازي بر اساس تصحيح سيد محمد مشكوة	شماره صفحه	الجديد في الحكمة (الكاشف) ابن كمونه بر اساس تصحيح حميد مرعيد الكبيسي
ج ۴، صص ۱۱۹-۱۳۰ [۷۳۹-۷۵۰]	مقاله ششم: در ابدیت نفس و احوال او بعد از خراب بدن	ص ۴۶۳- ۴۷۴	الفصل السادس: في ابدية النفس و احوالها بعد خراب البدن
ج ۴، صص ۱۳۱-۱۳۵ [۷۵۱-۷۵۵]	مقاله هفتم: در اثبات نفوس سماوی و کیفیت تصورات ایشان و تحرکات ایشان	ص ۴۷۵- ۴۷۸ <sup>۵۵</sup>	الفصل السابع: في إثبات النفوس السمائية
ج ۵، صص ۱ [۷۶۳] الی آخر	جمله پنجم: در علم اعلى كى علم الهى است. فن اول: در عقول و آثار آن در ص ۴۷۹ الی آخر [عالم] جسمانی و روحانی	ص ۴۷۹ الی آخر	الباب السادس: في العقول و آثارها في العالم الجسماني و الروحاني
ج ۵، صص ۱-۶ [۷۶۳- ۷۶۸]	مقاله اول: در آنك عقل مصدر وجود جمله نفوس است	ص ۴۸۱- ۴۸۵	الفصل الأول: في أنّ العقل هو مصدر وجود النفوس كلّها
ج ۵، صص ۷-۱۳ [۷۶۹- ۷۷۵]	مقاله دوم: در آنك اگر عقل نبودی نفوس در تعقلات خویش از قوت بفعل نیامدی و آنك مستند کمال ذاتی نفس عقل است	ص ۴۸۷- ۴۹۲	الفصل الثاني: في أنّه لولا العقل لما خرجت النفوس في تعقلاتها من القوّة إلى الفعل
ج ۵، صص ۱۳-۲۱ [۷۷۵- ۷۸۳]	مقاله سوم: در بیان استناد ما لایتناهی از حرکات و حوادث بعقل	ص ۴۹۳- ۴۹۹	الفصل الثالث: في بيان إستناد ما لا يتناهي من الحركات و الحوادث إلى العقل
ج ۵، صص ۲۲-۲۸ [۷۸۴- ۷۹۰]	مقاله چهارم: در کیفیت آنك عقل مصدر اجسام است	ص ۵۰۱-۵۰۶	الفصل الرابع: في كيفية كون العقل مصدرا للأجسام
ج ۵، صص ۲۸-۳۴ [۷۹۰- ۷۹۶]	مقاله پنجم: در آنك تشبه بعقل غایت حرکات سماوی است	ص ۵۰۷- ۵۱۱ <sup>۵۵</sup>	الفصل الخامس: في أنّ التشبه بالعقل هو غاية الحركات السمائية
ج ۵، صص ۳۴-۳۹ [۷۹۶-۸۰۱]	مقاله ششم: در بیان آنك واجبست كى عقل حى باشد و مدرك ذات خود. و غیر خود (و) در جگونگی آن ادراك	ص ۵۱۳- ۵۱۸	الفصل السادس: في بيان أنّ العقل يجب أن يكون حيا مدركا لذاته و لغيره

۵۵. چاپ الكاشف در ص ۷۴۵ مخدوش شده، تقریباً سه خط از پایان صفحه حذف شده است. در ص ۴۷۶ سطور ۲۰-۲۵ نیز مخدوش هستند.  
 ۵۶. در پایان فصل ۵ از الكاشف، پاراگراف آخر (= درة التاج، ج ۵، ص ۳۳: ۱۲-۳۴؛ ۴: ۷۹۵-۱۲؛ ۷۹۶: ۴) از دست رفته اند. آن را می توان در پایان فصل ۶ (الكاشف، ص ۵۱۸: ۱-۹) پیدا کرد.

جدد / صفحه	دره التاج قطب الدین شیرازی بر اساس تصحیح سید محمد مشکوة	شماره صفحه	الجدید فی الحکمة (الکاشف) ابن کمونه بر اساس تصحیح حمید مرعید الكبیسی
ج ۵، صص ۴۵-۴۰ [۸۰۷-۸۰۲]	مقاله هفتم: در بیان کثرت عقوا و جمله از احکام کی متعلق است بان	ص ۵۱۹- ۵۲۴	الفصل السابع: فی بیان کثرة العقول
ج ۵، ص ۴۶ ص [۸۰۸] الی آخر	فن دوم: در واجب الوجود (و) وحدانیت او و نعوت جلال او و کیفیت فعل و عنایت او	ص ۵۲۵ الی آخر	الباب السابع: فی واجب الوجود و وحدانیت و نعوت جلاله و کیفیت فعله و عنایت
ج ۵، صص ۵۳-۴۶ [۸۱۵-۸۰۸]	مقاله اول: در اثبات واجب الوجود لذاته	ص ۵۲۷- ۵۳۳	الفصل الأول: فی إثبات واجب الوجود لذاته
ج ۵، صص ۶۲-۵۳ [۸۲۴-۸۱۵]	مقاله دوم: در آنک واجب الوجود یکی است و او را بر هیچ کثرتی بوجهی از وجوه حمل نتوان کرد	ص ۵۳۵- ۵۴۲ <sup>۵۷</sup>	الفصل الثاني: فی أنّ واجب الوجود واحد
ج ۵، صص ۶۷-۶۲ [۸۲۹-۸۲۴]	مقاله سوم: در تنزیه واجب الوجود از آنچه تنزیه [او] از آن واجب باشد	ص ۵۴۳- ۵۴۷	الفصل الثالث: فی تنزیه واجب الوجود
ج ۵، صص ۷۵-۶۷ [۸۳۷-۸۲۹]	مقاله چهارم: در آنچه واجب الوجود را بان وصف کنند از صفات جلال و اکرام	ص ۵۴۹- ۵۵۵	الفصل الرابع: فیما یبعت به واجب الوجود من نعوت الجلال و الإکرام
ج ۵، صص ۸۰-۷۵ [۸۴۲-۸۳۷]	مقاله پنجم: در بیان آنک صفات واجب الوجود لذاته موجب کثرتی نیستند، نه بحسب تقوّم ذات او و نه بحسب آنچه درو متقرّر شود بعد از تقوّم ذات او	ص ۵۵۷- ۵۶۱	الفصل الخامس: فی تبیین کون صفات الواجب لذاته لا یوجب کثرة
ج ۵، صص ۹۹-۸۰ [۸۶۱-۸۴۲]	مقاله ششم: در کیفیت فعل واجب الوجود و ترتیب ممکنات ازو	ص ۵۶۳- ۵۷۹	الفصل السادس: فی کیفیت فعل واجب الوجود و ترتیب الممكنات عنه
ج ۵، صص ۱۱۹-۹۹ [۸۸۱-۸۶۱]	مقاله هفتم: در عنایت واجب الوجود به مخلوقات او و رحمت او ایشان را و حکمت او در ایجاد ایشان	ص ۵۸۱- ۵۹۸ <sup>۵۸</sup>	الفصل السابع: فی عنایة واجب الوجود بمخلوقاته و رحمته لهم و حکمته فی إیجادهم

۵۷. متن چاپ شده الكاشف در ص ۵۳۸: ۱۰-۱۳ مخدوش شده و در ص ۵۳۸: ۵-۹ به اشتباه تکرار شده است. الكاشف ص ۵۳۸: ۷-۹ یک تکرار نابجا و غلط از ص ۵۳۸: ۲-۴ است. مقایسه این متن با متن مربوط در دره التاج نشان می دهد که بعضی از مطالب در اینجا اشتباه است.  
 ۵۸. عبارت خاص حمد الهی در خاتمه الكاشف (ص ۵۹۸: ۱۵-۱۶) و دره التاج (ج ۵، ص ۱۱۹: ۸۸۱: ۶-۸) متفاوت هستند.

### کتابنامه

- ابن الفواطی؛ مجمع الآداب فی معجم الألقاب؛ محقق: محمد کاظم؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۴.
- ابن کمونه، سعد بن منصور؛ الجدید فی الحکمه؛ محقق: حمید مرعید الکبیبی؛ بغداد: الجمهوریة العراقیة، وزارة التعلیم العالی و البحت العلمی، جامعۀ بغداد، ۱۴۰۲ق.
- ابن کمونه؛ الکاشف؛ تصحیح حامد ناجی اصفهانی؛ تهران: مؤسسۀ پژوهشی حکمت و فلسفۀ ایران و دانشگاه آزاد برلین، ۱۳۸۷.
- اشمیتکه، زابینه؛ «تأثیر شمس الدین شهرزوری (قرن هفتم هجری) بر ابن ابی جمهور الاحسابی (متوفای ۹۰۴ق)»؛ یادداشت مقدماتی؛ [ترجمۀ این مقاله توسط محمدکاظم رحمتی در مجلۀ کتاب ماه دین؛ آبان و آذر ۱۳۸۰، شماره ۴۹ و ۵۰، ص ۴۶-۵۳ منتشر شده است].
- برخواه، انسیه؛ رسالۀ ازلیة النفس و بقائها تألیف ابن کمونه؛ رسالۀ کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۷۹. [این کتاب در سال ۱۳۸۶ توسط انتشارات کتابخانۀ مجلس منتشر شده است].
- بکار، عثمان؛ طبقه بندی علوم از نظر حکمای مسلمان؛ ترجمۀ جواد قاسمی؛ مقدمۀ سید حسین نصر؛ مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۱.
- پورجوادی، رضا؛ «کتابشناسی آثار جلال الدین دوانی»؛ معارف، دورۀ ۱۵، شماره ۱ و ۲، ۱۳۷۷ش، ص ۸۱-۱۳۸۰.
- پورجوادی، رضا و زابینه اشمیتکه؛ فیلسوف یهودی بغداد (ابن کمونه و آثار او)؛ ترجمۀ جواد قاسمی؛ دفتر تبلیغات حوزه علمیه، اصفهان، ۱۳۹۴.
- دُرّی، ضیاء الدین؛ کنز الحکمة (ترجمۀ تاریخ الحکماء شمس الدین شهرزوری)؛ تهران: بنیاد حکمت صدرا، ۱۳۸۹.
- دوانی، جلال الدین؛ «انموذج العلوم» در ثلاث رسائل؛ محقق سیداحمد تویسرکانی؛ مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۱۱ق.
- سهروردی؛ مجموعه مصنفات شیخ اشراق؛ ج ۱، تصحیح هانری کرین؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳.
- \_\_\_\_\_؛ مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۴؛ تصحیح نجفقلی حبیبی؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳.
- سیدموسوی، سیدحسین؛ «ملاصدرا و ابن کمونه»؛ ملاصدرا و مطالعات تطبیقی؛ مجموعه مقالات همایش جهانی حکیم ملاصدرا؛ ج ۵، تهران، ۱۳۸۱، ص ۴۶-۵۳.
- شهرزوری، محمد بن محمود؛ شرح حکمة الإنشراق؛ مقدمه و تصحیح: حسین ضیایی؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۲.
- شهرزوری، محمد بن محمود؛ رسائل الشجرة الإلهیة فی علوم الحقائق الربانیة؛ تصحیح و مقدمه نجفقلی حبیبی؛ تهران: مؤسسۀ پژوهشی حکمت و فلسفۀ ایران، ۱۳۸۳.
- ضیایی، حسین؛ «معرفی و بررسی نسخه خطی شجرة الیهیة اثر فلسفی شمس الدین محمد شهرزوری»؛ مجلۀ ایران شناسی؛ سال دوم، شماره ۵، بهار ۱۳۶۹، ص ۸۹-۱۰۸.
- قطب الدین شیرازی، محمود بن مسعود؛ بخش حساب درة التاج؛ تصحیح: سیدعبدالله انوار؛ تهران: میراث مکتوب، ۱۳۹۸.
- \_\_\_\_\_؛ بخش موسیقی درة التاج؛ تصحیح: نصرالله ناصح پور؛ تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷.
- \_\_\_\_\_؛ درة التاج لغرة الدباج؛ تصحیح: محمد مشکوة؛ تهران: حکمت، ۱۳۶۹.
- \_\_\_\_\_؛ درة التاج (بخش حکمت عملی و سیر و سلوک)؛ به کوشش و تصحیح ماهدخت بانو همایی؛ تهران:

شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.

\_\_\_\_\_ : دره التاج لغة الدباج؛ تصحيح سيد حسن مشكان طيسى؛ تهران: شرکت سهامی چاپ رنگین، [۱۳۲۴] تجدید چاپ شده در: مجموعه آثار سيد حسن مشكان طيسى، جلد سوم، به کوشش محمد باقری، مشهد: کتیبه میراث شیعه، [۱۳۹۸].

\_\_\_\_\_ : شرح حکمة الإشراق؛ تصحيح: عبدالله نورانی و مهدی محقق؛ تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی؛ دانشگاه مک گیل، ۱۳۸۰.

\_\_\_\_\_ : شرح حکمة الإشراق؛ تصحيح: سيد محمد موسوی؛ تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۷۸.

ملاصدرا؛ تعليقات بر شرح حکمة الإشراق قطب الدین شیرازی؛ ج ۱ (منطق)؛ تصحيح: حسين ضیایی تربتی؛ ج ۲ (الهیات)؛ تصحيح: نجفقلی حبیبی؛ تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۹۲.

مینوی، مجتبی؛ «ملاقطب شیرازی»، در یادنامه ایرانی مینورسکی؛ به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.

نصر، سيد حسين؛ سنت عقلانی اسلامی در ایران؛ ترجمه سعید دهقانی؛ تهران: قصیده سرا، ۱۳۸۳.

والبریج، جان؛ قطب الدین شیرازی و علم الانوار در فلسفه اسلامی؛ ترجمه جواد قاسمی؛ مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۵.

Daiber, Hans, *Bibliography of Islamic Philosophy* 1-2, Leiden, vol. 1, 1999.

Theologie, Philosophie und Mystik im Zwölferschiitischen Islam Des 9./15. Jahrhunderts. Die Gedankenwelten Des Ibn Abī Ġumhūr al-Ahsā'ī (um 838/1434-35\_ nach 906/1501). Leiden 2000.

Fink, Christine, Ibn Kammuna über die Grundbegriffe der Philosophie, Analyse eines Kapitels aus seinem Werk 'Das Neue in der Philosophie', MA thesis Frankfurt, Main 1997.

Görgün, Necip, *Eş-Şeceretu'l-İlâbiyye Fi Ulûmi'l-Hakâiki'r-Rabbaniyye*, Ph.D. thesis Istanbul: Marmara Üniversitesi, İlahiyat Fakültesi, 1996.

Kubesov, A.K. *Izvestija AN AzSSR, Seriya fiz.-mat. I tekhn. Nauk*, 1963.

Lory, Pierre, Y, *al-Shabrazūrī*, In: *Encyclopaedia of Islam*, New Edition, vol. 9, Leiden: Brill, 2002.

Mascitelli, Daniele, L'identità di Šams al-Din Šahrzūrī filosofo isrâqî: un caso aperto, In: *Rivista degli studi orientali* 69, 1995.

Matvievskaya, G.P, Kutb ad-Din ash-Shirazi: Kommentarii k ,Traktatu o dvizhenii katcheniya I otoshnenii mezdu ploskim u krivim, In: *Nauchnoye nasledstvo*, Vol. 6: Iz istorii fizikomatematicheskikh nauk na srednevekovom vostokey, Traktaty al-Khazini, al-Biruni, Ibn al-Khusayna, ash-Shirazi, Moscow 1983.

Nasr, Seyyed Hossein, Qotb al-Din Shirazi, *Dictionary of Scientific Biography*, Vol. xi. Ed. C. Gillepsie, New York, 1976.

*Nauchnoye nasledstvo*, Vol. 6: Iz istorii fizikomatematicheskikh nauk na srednevekovom vostokey, Traktaty al-Khazini, al-Biruni, Ibn al-Khusayna, ash-Shirazi, Ed. G.P. Matvievskaya, Moscow, 1983.

Neubauer, E, Safi al-Din al-Urmawi In: *Encyclopaedia of Islam*. New Edition, vol. 8.

Pourjavady, Reza, *Philosophy in Early Safavid Iran: Najm al-Din Mahmūd al-Nayrīzī and His Writings*. (Islamic Philosophy, Theology and Science. Texts and Studies.) xi, Leiden: Brill, 2011.

Ritter, Hellmut, Philologia ix, Die vier Suhraardi. Ihre Werke in Stambuler Handschriften, In: *Der Islam* 24: 1937 And 25: 1939.

Rosenfeld, B.A. and E. Ihsanegla, Mathematicians, astronomers and other scholars of Islamic civilisation and their works (7th-19th c.). Istanbul, 2003.

Schmidke, Sabine, Theologie, Philosophie und Mystik im Zwölferschiitischen Islam Des 9./15. Jahrhunderts. Die Gedankenwelten Des Ibn Abī Ġumhūr al-Ahsā'ī (um 838/1434-35\_ nach 906/1501), Leiden, 2000.

Suhrawardi, The Philosophy of Illumination, A New Critical Edition of the Text of Hikmat al-ishraq with English Translation, Notes, Commentary, and Introduction by John Walbridge & Hossein Ziai, Provo, Utah, 1999.

نقد و بررسی کتاب | ۱۸۴ | آینه پژوهش ۱۹۱  
درة التاج قطب الدین شیرازی و منابع آن | سال سی و دوم، شماره پنجم، آردی ماه ۱۴۰۰

Vesel, Živa: Les encyclopédies persanes, Essai de typologie et de classification des sciences, Paris, 1986.

Walbridge, John T, A Sufi Scientist of the Thirteenth Century: The Mystical Ideas and Practices of Qutb al-Din Shirazi, In: The Heritage of Sufism, Volume II. The Legacy of Medieval Persian Sufism (1150-1500), Ed. Leonard Lewisohn, Oxford, 1999.

